

راهبردهای دولت توسعه‌گرا و شکوفایی اقتصادی سنگاپور (۲۰۱۵-۲۰۰۰)

دکتر سروش امیری*

چکیده

این مقاله درصدد است به تأثیر راهبردهای دولت توسعه‌گرا و عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های (۲۰۱۵-۲۰۰۰) بپردازد. سنگاپور یکی از بهترین نمونه‌های توسعه و رشد اقتصادی در بین کشورهای جنوب شرق آسیاست که بدون وجود منابع طبیعی و بهره‌گیری از مواهب خدادادی توانسته با مدیریت کلان و ثبات سیاست‌گذاری خود را در زمره کشورهای توسعه‌یافته جهان، به جهانیان معرفی کند. بر این اساس با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به آمار ارقام موجود در منابع مستند داخلی و خارجی به عوامل تأثیرگذار در پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین عوامل در پویایی اقتصاد سنگاپور از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ عبارتند از: ثبات سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی ملهم از بافت سیاسی، شرایط تجاری مناسب از جمله نیروی کار ارزان، تکثیر گفتمان اجتماعی توسعه در میان شهروندان، نیروی کار تحصیل‌کرده و مسلط به زبان انگلیسی و جذب نیروی کار خارجی متخصص، قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی طرفدار تجارت، بنادر پررفت و آمد زیرساخت عالی حمل‌ونقل و ارتباطات، سیاست مالی باثبات، تورم اندک و مطلوب و سایت‌های مالی تشویق‌کننده.

کلیدواژه‌ها

سنگاپور، توسعه، فساد، دولت، پویایی اقتصاد.

مقدمه

سنگاپور از جمله کشورهایی است که شیب پرشتاب آن در مسیر توسعه و پیشرفت اقتصادی همواره، مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران بوده است. به بیان بهتر استراتژی اقتصادی جمهوری یا دولت-شهر کوچک سنگاپور در جنوب شرقی آسیا، با جمعیتی اندک بیش از پنج میلیون نفر، منابع طبیعی ناچیز، و دسترسی محدود به آب‌های شیرین، همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. کمتر کشوری در دنیا طی تنها ۵۰ سال تغییری پانزده برابری درآمد سرانه (در مقایسه با حدود سه برابر در ایالت متحده و انگلیس) داشته است. امید به زندگی در سنگاپور نزدیک به ۸۲ سال است که این رقم ۳ سال بیشتر از آمریکا و کانادا است. نرخ مرگ‌ومیر در این کشور کمتر از میانگین آمریکای شمالی و اروپاست. به علاوه، شاخص‌های آموزشی نیز در این کشور کوچک قابل مقایسه با کشورهای صنعتی است. ولی آیا سیاست‌های اقتصادی عامل موفقیت این کشور از زمان استقلال این کشور از بریتانیا است یا دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، نقش مهم‌تری در پیشرفت این کشور داشته‌اند؟ سنگاپور در حالی توسعه خود را آغاز کرد که بنیان‌گذاران این کشور، سنگ بنای این کشور را بر مبنای اقتصاد بازار آزاد بنا نهادند. امروزه سنگاپور دومین کشوری است که اقتصادی آزاد دارد و شفافیت اقتصادی در این کشور در سطح بسیار بالایی است. نمی‌توان با قطعیت گفت که کدامیک از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در سنگاپور بیشترین تأثیر را در پیشرفت این کشور داشته است یا این که آیا این سیاست‌گذاری‌ها در سایر کشورها قابل پیاده هستند یا نه ولی در نقش مجریان این کشور در این موفقیت شکی نیست. موفقیتی که بخش مهمی از آن ناشی از سیاست‌های موفق دولت سنگاپور با سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش صنعت، تجارت و حمل‌ونقل بود که همراه با مدیریت موفق عرضه و تقاضا در بازار کار، شکوفایی اقتصادی این کشور را به ارمغان آورده است. بر این اساس این پژوهش درصدد است عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ را مورد تحقیق و واکاوی قرار دهد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش اصلی است که عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ چه مواردی بوده است؟ فرضیه تحقیق بر این تأکید دارد که موقعیت ممتاز جغرافیایی سنگاپور در قلب کشورهای آسه‌آن، نیروی کار متخصص، توجه به نظام آموزشی، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و ورود کنترل‌شده دولت به

بخش اقتصاد و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی از عوامل اصلی توسعه اقتصاد سنگاپور بوده است.

۱. سه مرحله تحول در اندیشه توسعه

تاریخ و سیر تحولات توسعه شاهد سه مرحله مختلف از جهت‌گیری نسبت به مداخله دولت‌هاست: مرحله اول که دولت را عامل اصلی و نیروی غالب توسعه قلمداد می‌کرد، بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم شروع شده و تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی ادامه می‌یابد. مرحله دوم که مترادف با ظهور مجدد اندیشه‌های نئوکلاسیکی در اقتصاد توسعه است، فاصله زمانی ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۷ را در برمی‌گیرد و مرحله سوم که با انتشار کتاب «نقش دولت در جهان در حال تحول» به‌وسیله بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ شروع شده و هنوز ادامه دارد (میر، ۱۳۸۲: ۵۵).

۱-۱. دولت و توسعه

توسعه‌گرایی^۱ و دولت‌های توسعه‌گرا^۲ از جمله واژه‌ها و مفاهیم جدید ادبیات توسعه به شمار می‌آیند که عمدتاً از اواسط دهه ۱۹۸۰ و پس‌از آن مورد توجه نظری و عملی قرار گرفته‌اند. توسعه‌گرایی بیانگر تمایل و گرایش شدید یک جامعه و یا نخبگان آن به تحول ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جهت نوسازی، پیشرفت و صنعتی شدن، تولید و رفاه است (شیرزادی، ۱۳۹۲: ۲۵). تحول تاریخی نقش دولت در روند توسعه: یکی از مباحث عمده در حوزه گفتمان توسعه، نقش دولت در ایجاد تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. از قرن هفدهم میلادی تا پایان قرن بیستم، چهار دیدگاه عمده در این خصوص ارائه شده است:

اول، نظریه‌پردازانی که بر وجود دولت کوچک و سرمایه‌داری بازار تأکید داشتند. این دیدگاه پس از ظهور تجدد اولیه، بحران مذهب و کلیسا، پیدایش ایدئولوژی فردگرایی و لیبرالیسم، بحران دولت‌های مطلقه و وقوع انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی، پیدایش فلسفه روشنگری و تأکید آن بر عقل، آزادی، آگاهی، پیشرفت و به‌طور کلی ظهور انسان در عصر جدید، ارائه شدند که شامل قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی می‌شد و برجسته‌ترین نظریه‌پرداز آن، جان لاک^۳ انگلیسی بود (شیرزادی، ۱۳۹۰: ۴۵). دوم، نظریه‌پردازانی که بر نقش دولت در هدایت تحولات اقتصادی- اجتماعی تأکید می‌کنند. از اوایل قرن نوزدهم میلادی به بعد، در شرایط متحول

1. Developmentalism
2. Developmental States
3. John Locke

اقتصادی و اجتماعی، دیدگاهی تکوین یافت که بر نقش تعیین کننده دولت در زندگی اجتماعی، تأکید می کرد. چند تحول در این زمینه مؤثر بودند: بحران اولیه در اقتصاد سرمایه داری در دهه ۱۸۹۰، تحولات فناورانه اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که به عنوان انقلاب صنعتی دوم شناخته شده اند (شیرزادی، ۱۳۹۰: ۴۷).

پس از انتشار کتاب نظریه عمومی کینز (۱۹۳۶) و خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، رویکرد غالب در اقتصاد توسعه، با بهره از اندیشه های کینز، بر اساس حضور و مداخله مؤثر دولت در اقتصاد شکل گرفت (در سال ۱۹۶۹ نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا گفته بود: در حال حاضر، همگی کینزی هستیم). این دوره تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت، اما شرکت های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف پذیری لازم را نداشته و در برابر فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و بیشتر آن ها زیان دیده اند. در چنین شرایطی، دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که خصوصی سازی را یک هدف و کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند، به شدت رواج یافت.

۱-۲. کاستی های نظری اجماع واشنگتنی

منتقدین نئولیبرالیسم اقتصادی معتقدند که چند عامل سبب ارزیابی درباره سیاست های اجماع واشنگتنی، از جمله نقش بهینه دولت، در توسعه اقتصادی شد:

۱. اقتصاددانان و تصمیم گیران به این واقعیت پی بردند که عملکرد رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در طول دهه ۱۹۸۰ بسیار بد بوده است؛ ۲. اقتصاددانان دریافتند که گرچه بیشتر کشورهای رو به توسعه در دهه ۱۹۸۰ عملکرد ضعیفی در زمینه رشد داشتند؛ ولی کشورهای آسیای شرقی و برخی از کشورهای جنوب آسیا، که در آن ها دولت ها به نقش فعال خود ادامه داده اند، به رشد بسیار خوبی رسیدند؛ ۳. در دهه ۱۹۸۰، در کشورهای OECD^۱ واکنش قدرتمندی علیه فلسفه نئولیبرال شکل گرفت، که باعث اتخاذ یک موضع فعال از جانب دولت شد. در بیشتر کشورهای غربی دولت های کارگری جانشین دولت های محافظه کار شدند و نفوذ بین المللی ژاپن، که در آن دولت نقش فعالی را بازی می کند، افزایش یافت؛ ۴. متفاوت بودن موفقیت اصلاحات در کشورهای رو به توسعه در دهه ۱۹۸۰، نهادهای بین المللی را به درک این امر کمک کرد که این دولت های توانا متعهدند که اصلاحات را پیش می برند و اداره می کنند (Adelman, 1999:7).

1. Organization for Economic co- operation and Development

آدلمن، نیز معتقد است که نظریه نئوکلاسیک توسعه از این واقعیت غفلت کرده که نمی‌توان مفروض‌های اقتصاد نئوکلاسیک را که برای تضمین تعادل‌های نئوکلاسیک بازار ضروری است، برای کشورهای درحال توسعه به کاربرد (Adelman, 1999:7). بازار در کشورهای درحال توسعه بدون تحرک بوده، ناکامل و ناکارآمد است و دارای اطلاعات ناقص و غیرقابل پیش‌بینی هست. بیشتر این کشورها پایه‌های نهادین یک اقتصاد نئوکلاسیک را ندارند و نمی‌توان این پایه‌ها را یک شبه خلق کرد. تعادل‌های بازار به توزیع اولیه ثروت بستگی دارد. اگر این توزیع بهینه نباشد، یک اقتصاد نئوکلاسیک، حتی رفاه اجتماعی ایستا را به حداکثر نمی‌رساند. همچنین طرفداران نئوکلاسیک توسعه از نظریه بهینه دوم غفلت کردند، چون حذف همه قیدوبندهای نظارتی بازارها ناممکن است.

جدول (۱): نام اقتصاددان و سال ارائه مقاله انتقادی از سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیسم

نام منتقد	تاریخ ارائه مقاله انتقادی	نام منتقد	تاریخ ارائه مقاله انتقادی
آریل بوریا	۲۰۰۴	بورسوک ریچارد	۱۹۹۹
استرن نیکلاس	۲۰۰۱	پیزورسکی آدام	۱۹۹۳
استریتن پل	۱۹۹۴	آریل بوریا	۲۰۰۴
استیگلitz جوزف	۱۹۹۶-۱۹۹۷-۱۹۹۸-۱۹۹۹-۲۰۰۰-۲۰۰۲-۲۰۰۳-۲۰۰۴	توی جان	۱۹۹۳
آمارتیاسن	۱۹۹۹	رودریک	۲۰۰۳
باردهان پراناب	۲۰۰۲	سانجر دیوید	۲۰۰۲
باریو رابرت	۱۹۹۸	فاین بن	۲۰۰۳
براود رایین	۲۰۰۴	کروگر آنه	۲۰۰۴
بلاستین پال	۱۹۹۸	کروگمن پال	۱۹۹۹-۱۹۹۸
بهداری آمیت	۲۰۰۰	کوک پاتریک	۱۹۹۵
بهاگوانی جاگدیش	۱۹۹۸-۲۰۰۲	لعل شانجی	۲۰۰۲-۲۰۰۳

(یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

پس از تجربه‌های تلخ ناشی از اجرای توصیه‌های سیاستی اجماع واشنگتنی، بسیاری از طرفداران مشهور، از آن فاصله گرفتند. جدول (۱) نام‌های برخی از صاحب‌نظران برجسته که به نقد سیاست‌های تعدیل پرداخته‌اند را نشان می‌دهد.

۳-۱. شکل‌گیری اجماع جدید

با توجه به مطالب ارائه‌شده، برخی از سیاست‌گذاران و اقتصاددانان به تدریج به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های گذشته (اجماع واشنگتنی) برای بهبود فرایند توسعه کامل نیست. در این شرایط به‌مرور افکار تجدیدنظر طلبانه‌ای در ادبیات توسعه اقتصادی با عنوان «اجماع پساواشنگتنی» شکل گرفت. پس از مطالعه بسیار، بانک جهانی نیز نارسایی‌های سیاست‌های اجماع واشنگتنی را پذیرفت و از طریق اقدام‌ها و سیاست‌های تکمیلی معروف به اصلاحات نسل دوم یا اجماع پساواشنگتنی، سعی در اصلاح سیاست‌های گذشته خود نمود. در همین مورد، بانک جهانی می‌گوید: «شواهد و رویکردهای جدید تئوریک بحث را عمیق‌تر کرده و مسائل را تغییر داده است. یکی از ویژگی‌های دلگرم‌کننده تحلیل مدرن توسعه تأکید فزاینده بر اسناد و شواهد است. ما کمتر نظرات ساده استاندارد زندگی و رفاه و لذا فقر و نابرابری را ارائه می‌نماییم. به همین ترتیب، توجه بیشتری به درک فرایندهای اقتصادی و اجتماعی داریم که آموزش و بهداشت را ارتقاء می‌دهند» (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

در رویکرد اجماع پساواشنگتنی، بیان می‌شود که علت‌های شکست، بسیار ریشه‌دار بوده و به بدفهمی مبانی اقتصاد بازار و نیز ناتوانی از درک مبانی روند اصلاحات مربوط است. از سوی دیگر، بخشی از مشکل به‌خاطر انکای بیش از حد به مدل‌های کتب درسی علم اقتصاد بود. به‌ویژه آنکه کتب درسی به شیوه معمول به مدل‌های نئوکلاسیکی متکی بوده و بقیه مکاتب (از قبیل آنچه شومپیتر^۱ و هایک^۲ مطرح کرده و بصیرت بیشتری درباره وضعیت اقتصادهای در حال گذار به ما می‌بخشند). کمتر مورد توجه واقع می‌شود (Stiglitz, 1999b:6). مطابق رویکرد اجماع پساواشنگتنی، سیاست‌های اصلاحی نیازمند رشد در تمام سطوح اجتماعی است و نباید به‌صورت نسخه‌های از قبل تعیین‌شده از طرف سازمان‌ها و نهادهای خارجی به کشورهای گوناگون تحمیل شود (Kolodko, 1999:26-29). اقتصاددانان مانند جوزف استیگلیتز^۳، استاد اقتصاد دانشگاه کلمبیا و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱، توسعه این کشور را مرهون سیاست‌های این کشور در کاهش نابرابری اقتصادی می‌دانند. استیگلیتز معتقد است نظام مالیاتی و راه‌اندازی «صندوق آینده‌نگر»^۴ تأثیر چشم‌گیری در توزیع عادلانه درآمد و به‌تبع آن

1. Schumpeter
2. Hayek
3. Gozeph Eugena Stiglitz
4. Prospective Fund

جهش اقتصادی سنگاپور داشته‌اند. طبق قوانین، ۳۶ درصد درآمد افراد جوان در صندوقی ذخیره می‌شود تا بعدها به‌عنوان منبعی برای پرداخت هزینه‌های بیمه سلامت، مسکن، و بیکاری باشد. نابرابری اقتصادی منتهی به نابرابری در توزیع قدرت می‌شود و جامعه‌ای که در آن توزیع ثروت عادلانه‌تر است، شهروندان قدرت بیشتری داشته و رانت‌خواری که یکی از بازدارنده‌های توسعه اقتصادی است رواج کمتری دارد.

۲. جغرافیای سیاسی - امنیتی سنگاپور

عوامل متعددی از سال ۲۰۰۰ به این سو، باعث دگرگونی جدی اقتصاد سنگاپور شد اما در این میان جغرافیای این کشور و موقعیت مکانی این کشور بسیار حیاتی و مهم است. سنگاپور یک بندر بسیار کم ارتفاع دارد که به‌طور طبیعی از گزند آب‌وهوای بسیار شدید تنگه «مالاکا» مصون است. این کشور همچنین به لطف موقعیت جغرافیایی ویژه خود یعنی قرارگیری در مسیرهای اصلی دریایی به چین و ژاپن در شرق و اروپا و آمریکا در غرب و داشتن ویژگی‌های بندری، به همراه هنگ‌کنگ توانست به‌عنوان یک قطب مهم کشتیرانی، نقش ممتازی را در مبادلات تجاری جهان کسب کند. بسیاری از همسایگان سنگاپور نیز، از افزایش مبادلات تجاری در این کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی پیش‌روی کارگران مهاجر، از این مسأله منتفع شدند.

۲-۱. جغرافیای سنگاپور

کشور کوچک سنگاپور از منظر جغرافیایی در منطقه جنوب شرق آسیا در تنگه مالاکا بین اقیانوس هند و اقیانوس بزرگ آرام واقع شده است. این کشور کوچک‌ترین کشور مستقل آسیاست و از یک جزیره اصلی و ۶۰ جزیره کوچک تشکیل شده است. جزیره‌ای که امروزه سنگاپور خوانده می‌شود از قرن سوم میلادی برای کاشفین دریانورد چینی شناخته شده بود و آن را Puluochung که تلفظ ناقص لغت مالایی Pulau Ujong به معنای جزیره‌ای در منتهی‌الیه شبه‌جزیره هست، می‌خواندند، بطوری که در سالنامه‌های قدیمی مالایی‌ها ذکر گردیده. نام امروزی سنگاپور را شاهزاده هندی به نام اسنف نیلا اوتاما^۱ بر روی این سرزمین گذاشت (Hill, 1995: 12).

در سنگاپور سه منطقه مشخص وجود دارد:

1. Snaf Nila Utama

مرکز کشور که ناحیه‌ای است کوهستانی با ذخایر سرشار طبیعی مخصوصاً گرانیت. ناحیه شرقی که پوشیده از شن‌های روان و سنگ‌ریزه است. ناحیه جنوب غربی با سنگ‌های رُسی و سیاه که خود باعث ایجاد درّه و فرورفتگی‌ها شده است (King, 2008: 3-4). مساحت جزیره اصلی که کشور سنگاپور در آن واقع شده، از غرب به شرق ۴۲ کیلومتر و از شمال به جنوب ۲۳ کیلومتر است. البته مساحت کل سنگاپور با جزایر کوچک‌تر مجموعاً ۶۴۷/۵ کیلومترمربع است که ۳۲۱/۶ کیلومترمربع از آن را مناطق مسکونی، ۱۰/۸ کیلومترمربع را منطقه کشاورزی، ۲۸/۶ کیلومترمربع از آن را جنگل، ۱۵/۵ کیلومترمربع آن را مناطق باتلاقی و آبگیری و ۲۷۱ کیلومترمربع از آن را فضاهای باز، مناطق مسکونی که مورد استفاده تأسیسات نظامی قرار دارند، تشکیل شده است. تنگه سنگاپور که یکی از اصلی‌ترین مجراهای ورود و خروج کشتی‌های عظیم تجاری در این کشور است طولی معادل ۱۰۵ کیلومتر دارد که بین تنگه مالاکا در غرب و جنوب دریای چین در شرق واقع شده است. این تنگه ۱۶ کیلومتر پهنا دارد که سمت شمال آن را جزیره سنگاپور و جنوب آن را جزایر ریو^۱ که بخشی از اندونزی است محاط شده است. این تنگه یکی از تنگه‌های تجاری مهم در جهان محسوب می‌شود، و همچنین یکی از پررفت‌وآمدترین آبراه‌های جهان است (King, 2008: 5).

۲-۲. جغرافیای انسانی

بر اساس آخرین سرشماری در سال ۲۰۱۳ در سنگاپور جمعیت این کشور ۵،۳۹۹،۰۰۰ هزار نفر گزارش شده است. البته باید توجه داشت در این کشور در سال‌های پرشتاب توسعه از دهه ۶۰ میلادی، به علت افزایش استانداردهای زندگی، بهداشت و سلامتی میزان جمعیت نسبت به سال‌های پیش از آن افزایش یافته است. عواملی که بیان‌گر رشد جمعیت یک کشور هست، نسبت بین میزان تولد و مرگ‌ومیر در آن کشور و میزان مهاجرت به داخل و خارج از آن کشور است. علاوه بر چینی‌هایی که ۳ و ۴ درصد جمعیت سنگاپور را تشکیل داده بودند عده قابل توجهی از سوماترایی‌ها، جاوه‌ای‌ها، هندوها، عرب‌ها، یهودی‌ها، از آسیایی‌ها و اروپایی‌ها هم در بین مهاجران وجود دارد. زبان‌های رسمی در سنگاپور، مالزیایی، چینی، تامیلی و انگلیسی هست (Mauzy, 2012: 104).

۲-۳. اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک سنگاپور

بسیاری از نظریه‌پردازان بزرگ اقتصاد و سیاست از جمله مانوئل کاستلز معتقد هستند که سنگاپور در دهه آینده با قرار گرفتن در میان چند قدرت بزرگ اقتصادی از جمله چین، ژاپن و کره جنوبی، نقش ویژه‌ای در اقتصاد اطلاعاتی و شبکه‌ای خواهد داشت. آسیای جنوب‌شرقی به علت موقعیت جغرافیایی و وفور محصولات منطقه حاره و سهولت ارتباط و دسترسی به جزایر و شبه‌جزایر آن بیش از دو هزار سال به صورت یک مرکز تجاری بزرگ جهان درآمد یافته است و سنگاپور از نظر جغرافیایی در مرکز دریایی این منطقه قرار دارد. هنوز هم از نظر مبادلات تجاری و ورود کالا از اروپا و اقیانوس آرام در درجه اول اهمیت دارد و بزرگ‌ترین بندر آسیای جنوب‌شرقی و دومین بندر بزرگ دنیا محسوب می‌شود (Mauzy, 2012: 109).

۲-۴. استراتژی دفاع امنیت جامع سنگاپور

کشور کوچک سنگاپور اصول مدونی دارد که از آن با عنوان دفاع امنیت جامع نام می‌برند. مفهوم امنیت جامع^۱، شالوده دفاع و امنیت سنگاپور را تشکیل می‌دهد و بر سه عنصر اصلی استوار است: ۱. دفاع کامل، ۲. دیپلماسی و ۳. ثبات داخلی (Mauzy, 2012: 113). دفاع کامل موجب بازدارندگی می‌شود، دیپلماسی بر بسط مناسبات با کشورها به ویژه همسایگان تأکید دارد و ثبات داخلی انسجام و هماهنگی اجتماعی را سبب می‌شود. استراتژی بازدارندگی دفاع کامل کلیه قشرهای جامعه، دولت، بخش خصوصی و مردم عادی را با یکدیگر در دفاع از کشور متحد می‌سازد و در عین حال با اذعان به اینکه بازدارندگی به تنهایی نمی‌تواند متضمن: لح باشد، به ویژه برای کشور کوچکی نظیر سنگاپور جلب حداکثر ممکن کشورها و دولت‌ها، این اطمینان را به سنگاپور می‌دهد که در مواقع مواجه با بحران تنها نخواهد بود (Mauzy, 2012: 104). ثبات داخلی نیز نقش درخور توجهی در هرگونه وضعیت بحران را ایفاء می‌کند. ثبات داخلی به مفهوم حفظ انسجام، هماهنگی و تساهل اجتماعی را تغییر می‌دهد. این موضوع برای کشور سنگاپور که یک کشور چندین نژادی است بسیار اهمیت دارد تا بتواند وحدت ملی را بین رهبران و مردم حفظ نماید (Tan, 2007: 32). در سیستم دفاع جامع سنگاپور، دفاع کامل مقولاتی چون دفاع روانی، دفاع اجتماعی، دفاع غیرنظامی، دفاع اقتصادی و دفاع نظامی را در برمی‌گیرد. دفاع اجتماعی به حفظ انسجام در میان جامعه چند نژادی سنگاپور خنثی کردن تلاش‌های مخرب عناصر افراطی می‌پردازد. دفاع اقتصادی برپایه این مفهوم شکل گرفته که

1. Total Security

سطوح بالای درآمد در سنگاپور در طی یک نسل بدون برخورداری از منابع طبیعی و صرفاً با تأکید بر نیروی انسانی، مهارت‌های فن‌آوری و سرمایه‌گذاری اساسی به‌دست آمده است (Tan, 2007: 34).

تصمیم‌گیران سیاست خارجی در سنگاپور معتقدند این کشور از عمق استراتژیک برخوردار نیست. بر اساس این استراتژی و به جهت عدم برخورداری از عمق استراتژی نیروهای مسلح سنگاپور برای کسب آمادگی دست زدن به عملیات تهاجمی آموزش داده می‌شوند تا بتوانند حتی‌الامکان صحنه جنگ را از خاک کوچک خود دور کند. وجود روابط نزدیک با کشورهای منطقه به‌ویژه مالزی علی‌رغم وجود مشاجرات لفظی و بعضاً کدورت‌های ادواری، امکان بسط همکاری‌های دفاعی را فراهم کرده است و در حال حاضر سنگاپور از تأسیسات نظامی شماری از کشورهای منطقه نظیر اندونزی، تایلند و برونئی، مالزی، زلاندنو، استرالیا، فیلیپین و بنگلادش برای آموزش و تمرین‌های نظامی کادر نیروهای مسلح خود استفاده می‌کند (Tan, 2007: 35). علاوه بر آن ترتیبات دفاعی نیرومندتری با کشورهای حوزه اقیانوسیه - خارج از منطقه آسه آن - مانند استرالیا، زلاندنو و آمریکا معمول شده است. واحدهایی از وزارت دفاع سنگاپور در ایالت تگزاس آمریکا برای آموزش کادر خلبانی هواپیماهای سوخت‌رسان و بالگردهای شینوک مستقر شده‌اند.

۳. تجربه سنگاپور در آسیای شرقی

از زمان بعد از استقلال تا دهه ۹۰ میلادی لی کو آن یو^۱ نخست‌وزیر سنگاپور بود. اولین وظیفه فوری و ضروری او برای سنگاپور فقیر و تازه استقلال یافته ایجاد شغل پایدار بود. لی کوآن‌یو از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۰ نخست‌وزیر سنگاپور بود، در جریان آزادسازی و استقلال سنگاپور از بریتانیا، ادغام با کشور همسایه‌اش مالزی و سپس جدایی از آن و همچنین در دوران تنش‌های نژادی قبل از تبدیل این دولت آسیای جنوب شرقی به یکی از «ببر»های اقتصاد آسیا، نیز پیشوای ملت بود. لی کوآن‌یو با ۳۱ سال خدمت در مقام صدارت، رکورددار طولانی‌ترین نخست‌وزیری جهان است. لی کوآن‌یو در دولت دو تن از کسانی که بعد از او به مقام نخست‌وزیری رسیدند، از جمله پسر بزرگش، نیز وظیفه مشاور ارشد او را بر عهده داشت تا

۱. لی کوآن‌یو به علت ذات‌الریه شدید از ماه فوریه ۲۰۱۵ در بیمارستان بستری شده بود تا اینکه در ماه مارس، دفتر نخست‌وزیر مرگش را اعلام کرد.

اینکه در می سال ۲۰۱۱ استعفا داد. دولت سنگاپور در سال‌های ۱۹۶۰ به شدت با مشکل رکود و بیکاری مواجه بود. برای رفع این مشکلات، تغییر سیاست‌های وارداتی را دنبال کرد اما به دلیل اینکه سنگاپور یک بازار داخلی کوچک، با منابعی محدود بود، این استراتژی عملی نشد و در نهایت دولت آن را بایگانی کرد. بنابراین، لی هیات اقتصادی هون سوئی سن^۱ را تشکیل داد. و با استفاده از راهبردهای «آلبرت وینسمیوس»^۲، اقتصاددان هلندی، سیاست قبلی خود را تغییر داد و با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استراتژی افزایش صادرات را در پیش گرفت. هدف دولت از اجرای این سیاست، تبدیل سنگاپور به یک «شهر جهانی» بود (Yew, 2000: 19-23).

مشاهده توسعه موفق و حتی بنا به برخی گفته‌ها، معجزه آسیای شرقی، یکی از انگیزه‌های حرکت به فراسوی اجماع واشنگتنی بود. ترکیبی از پس‌انداز بالا، سرمایه‌گذاری در آموزش پرورش و سیاست صنعتی هدایت‌شده از سوی دولت، منطقه را به یک موتورخانه اقتصادی بدل کرده بود. برای چندین دهه نرخ رشد اقتصادی منطقه فوق‌العاده بود و سطح زندگی ده‌ها میلیون نفر به شدت بالا رفته بود. منافع رشد اقتصادی هم به گونه وسیعی میان همه تقسیم‌شده بود. البته مشکلاتی هم در روش توسعه اقتصادی آسیایی وجود داشت؛ اما در کل دولت‌های منطقه راهبردی را برگزیدند که تنها نقطه اشتراک آن با «اجماع واشنگتنی»، اهمیت دادن به ثبات اقتصاد کلان بود (استیگلیتز، ۱۳۸۲ الف: ۱۲۲). از اوایل دهه ۱۹۹۰، با تشدید فشارهای صندوق بین‌المللی پول و خزانه‌داری آمریکا بر روی کشورهای شرق آسیا برای آزادسازی حساب سرمایه، کارشناسان غربی مطمئن شده بودند که طلوع عصر جدیدی فرا رسیده است. صندوق بین‌المللی پول و خزانه‌داری آمریکا بر این باور بودند که آزادسازی کامل حساب سرمایه باعث می‌شود که این منطقه حتی رشدهای سریع‌تری را تجربه کند؛ بنابراین، با اعمال فشار، اقتصادهای آسیای شرقی را به آزادسازی بازار سرمایه وادار کردند. سرانجام روز دوم ژوئیه ۱۹۹۷ فرا رسید، وقتی «بات»^۳ (پول ملی تایلند). سقوط کرد، هیچ کس نمی‌دانست که این آغاز بزرگ‌ترین بحران پس از «رکود بزرگ»^۴ هست و بحرانی است که تمامی جهان را در برابر تهدید قرار خواهد داد. استیگلیتز معتقد است که آزادسازی سرمایه، حتی برای

1. Economic Development Board Chairman Hon Sui Sen
2. Albert Winsemius
3. Baht
4. Great Depression

کشورهای دارای نهادهای مالی قدرتمند، می‌تواند خطرناک باشد. بنابراین، از نظر او، آزادسازی حساب سرمایه، بزرگ‌ترین اشتباه کشورهای شرق آسیا بود که فاقد نهادهای مالی قدرتمند بودند (Stiglitz, 2003: 9). عامل بسیار مهمی که باعث تشدید این بحران شد، تغییر جریان سرمایه از تمایل برای ورود به تمایل برای خروج بود. شاید واقعاً هیچ کشوری نتواند این تغییر ناگهانی را تحمل نماید. به‌طور نمونه، در مورد تایلند جریان خروج سرمایه به ۷/۹ درصد تولید ناخالص ملی در ۱۹۹۷، ۱۲/۳ درصد در ۱۹۹۸ و ۷ درصد در ۱۹۹۹ رسید. مشخص است که کشورهای درحال توسعه توان رویارویی با این حجم عظیم خروج سرمایه را نخواهند داشت (استیگلیتز، ۱۳۸۲ الف: ۱۳۰).

۴. اقتصاد و مراحل توسعه در سنگاپور

۴-۱. سیر تکوین مراحل اقتصادی سنگاپور

سنگاپور در سال ۱۹۶۵ با جدایی از مالزی خود را به‌عنوان یک کشور استقلال یافته مطرح ساخت. پس از استقلال سنگاپور از مالزی در سال ۱۹۶۵ میلادی، سنگاپور با یک بازار داخلی بسیار کوچک، سطح بالایی از بیکاری و فقر مواجه بود. ۷۰ درصد از جمعیت این کشور در شرایط بسیار بدی در مناطق پرجمعیت زندگی می‌کردند. محل زندگی یک‌سوم از جمعیت سنگاپور در محله‌های فقیرنشین و در حواشی شهرها بود همچنین بیش از نیمی از مردم سواد نداشتند. متوسط نرخ بیکاری ۱۴ درصد و سرانه تولید ناخالص داخلی در این کشور در سطح ۵۱۶ دلار آمریکا قرار داشت (Lee, 2000: 164). سنگاپور در دهه ۹۰ در یک اقدام پرارزش، افزایش سرمایه‌گذاری در سنگاپور، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری را موجب شد. با پیگیری سیاست ترغیب افزایش سرمایه‌گذاری خارجی ارزش بازار سهام سنگاپور در سال ۱۹۹۲ رقمی حدود ۳۳ برابر افزایش پیدا کرد به‌طوری‌که در این سال نسبت سرمایه به نیروی کار این کشور افزایش ۱۰ برابری داشت. سطح زندگی مردم به‌طور پیوسته‌ای افزایش داشت و خانواده‌های بسیاری با افزایش سطح درآمد از طبقه فقیر به طبقه متوسط تبدیل شدند. این موفقیت‌ها طوری بود که طی سخنرانی بزرگداشت سالگرد روز استقلال سنگاپور در سال ۱۹۸۷ لی کوآن یو نخست‌وزیر وقت سنگاپور گفت؛ در حال حاضر می‌توان ۸۰ درصد از جمعیت کشور سنگاپور را از طبقه متوسط دانست. درحالی‌که برخلاف بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و یونان، سیاست تأمین اجتماعی خصوصی از سوی سیاست‌گذاران سنگاپوری در پیش گرفته شد

این موضوع منجر به افزایش نرخ پس‌انداز و توسعه پایدار اقتصادی در بلندمدت شد (Tan, 2007: 39). بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول اقتصاد سنگاپور در سال ۱۹۹۹ با رشد اقتصادی ۶/۱ درصدی توانست بحران اقتصادی را که در سال ۱۹۹۸ کشورهای منطقه را درگیر کرده بود پشت سر بگذارد و حتی رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۰ به سطح ۸/۹ درصد رسید. در حالی که کاهش رشد اقتصادی در آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا همچنین سقوط بازارهای محصولات الکترونیکی در جهان باعث شد رشد اقتصادی سنگاپور در سال ۲۰۰۱ منفی یک درصد شود اما این کشور توانست در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به ترتیب ۴/۲ و ۴/۴ درصد بر اندازه اقتصاد خود بیفزاید (صندوق بین‌المللی پول^۱، ۲۰۱۱). اقتصاد سنگاپور در بحران اقتصادی سال ۲۰۰۳ آزمون سختی را پشت سر گذاشت. سنگاپور با پشت سر گذاشتن مشکلات ناشی از شیوع بیماری سارس در سال ۲۰۰۳ توانست در سال ۲۰۰۴ رشد اقتصادی خیره‌کننده‌ای را ثبت کند و ۹/۵ درصد بر اندازه اقتصاد خود نسبت به سال قبل بیفزاید. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ نیز روند رشد اقتصادی این کشور با نرخ‌های ۷/۵ و ۸/۹ درصد ادامه پیدا کرد. پس از کاهش رشد اقتصادی سنگاپور در پی وقوع بحران جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ این کشور توانست به خوبی این بحران را در سال ۲۰۱۰ با ثبت نرخ رشد اقتصادی ۲/۱۵ درصد پشت سر بگذارد. رشد اقتصادی سنگاپور در سال ۲۰۱۴ رقمی معادل ۲/۹ درصد بوده است و کارشناسان انتظار ادامه این روند برای سال‌های آتی را دارند. در آخرین آمار منتشرشده توسط صندوق بین‌المللی پول نرخ بیکاری سنگاپور در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ترتیب ۱/۹ و ۲ درصد بوده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۱: ۱۵).

۲-۴. جذب و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در سنگاپور

جذب و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در سنگاپور یکی از کار ویژه‌های مهم دولت بود. درآمدهای عمومی در سنگاپور در مسیر سرمایه‌گذاری همچنین به‌عنوان کاتالیزوری در جهت رشد اقتصادی و نوآوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. دولت سنگاپور مدیریت ذخایر این کشور را از طریق دو صندوق ثروت ملی تماسک و GLC بر عهده دارد. در ابتدا سیاست دولت در مدیریت

۱. صندوق بین‌المللی پول، چشم‌انداز اقتصاد جهانی و نقش آسیا در چشم‌انداز جهانی، وبسایت صندوق بین‌المللی پول، بازدید شده در ۱۳۹۵/۴/۱۵

این صندوق‌ها مبتنی بر تعمیق رشد و توسعه اقتصادی بوده است اما در دهه‌های اخیر اهداف صندوق‌های ثروت ملی سنگاپور به سمت اهداف تجاری متمایل شده است.

۳-۴. تحلیل ساختار اقتصاد سنگاپور

۱-۳-۴. نحوه سرمایه‌گذاری

۱-۱-۳-۴. بیوتکنولوژی

سنگاپور به میزان بسیار زیادی برای توسعه و گسترش صنعت بیوتکنولوژی سرمایه‌گذاری کرده است. آن‌ها تلاش بسیاری را در جهت ایجاد زیرساخت‌ها، انجام تحقیقات و جذب سرمایه‌ها و محققان بین‌المللی برای رشد صنعت بیوتکنولوژی در این کشور انجام داده‌اند. بسیاری از شرکت‌های بزرگ داروسازی جهان در سنگاپور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در حال حاضر تولید دارو نزدیک به هشت درصد کل تولیدات سنگاپور را تشکیل می‌دهد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶: ۸۵).

۲-۱-۳-۴. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها

سنگاپور به دلیل موقعیت ترانزیتی ویژه از اصلی‌ترین نقاط فروش و قیمت‌گذاری و تجارت نفت در آسیا به شمار می‌رود. صنایع پالایشگاهی رقمی حدود پنج درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را بر عهده دارند به طوری که سنگاپور به یکی از سه کشور بزرگ در زمینه صادرات محصولات پالایشی تبدیل شده است. صنایع نفتی در این کشور از محرک‌های رشد صنایع شیمیایی و صنایع مربوط به ساخت تجهیزات استخراج نفت و گاز بوده است به طوری که سنگاپور در حال حاضر در برخی از تجهیزات دریایی صنعت نفت صاحب‌سهم چشمگیری از بازار جهانی است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶: ۴۳).

۲-۳-۴. نیروی انسانی متخصص در سنگاپور

نرخ مشارکت نیروی کار در اقتصاد سنگاپور به ویژه از سال ۲۰۰۶ به بعد نرخ صعودی داشته است. فی الواقع سنگاپور دارای نیروی کار بسیار ماهر و آموزش‌دیده‌ای است که نیازهای این کشور به نیروی کار ماهر را کاملاً برطرف می‌کند به همین جهت سنگاپور بالاترین نسبت

تجارت به GDP را در میان کشورهای دنیا دارد به طوری که میان سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ این نسبت برای سنگاپور ۴۰۰ درصد بوده است (بانک جهانی، ۲۰۱۶: ۱۴).

۳-۳-۴. نقش تجارت واسطه‌ای در جهش اقتصادی

اقتصاد سنگاپور ساختار بسیار پیچیده‌ای داراست. این کشور کوچک با موقعیت ترانزیتی ویژه با واردات مواد خام و تولید محصولات خام و صادرات مجدد آن‌ها نمونه بارزی از اقتصاد مبتنی بر تجارت واسطه‌ای است. سنگاپور دارای یک بندر استراتژیک و بسیار مجهز است که این کشور را نسبت به دیگر همسایگان خود در موقعیت برتری قرار داده و سنگاپور را به مرکز بازرگانی منطقه تبدیل کرده است. «بندر سنگاپور» به لحاظ تناژ سومین بندر پرکار دنیاست.

۴-۳-۴. توسعه زیرساخت‌های بندری سنگاپور

زیرساخت بندری سنگاپور بسیار منحصربه‌فرد است. با در نظر گرفتن حجم مبادلاتی که از طریق بندر سنگاپور انجام می‌شود، این بندر شلوغ‌ترین بندر جهان پس از بندر شانگهای در چین محسوب می‌شود. سنگاپور همچنین بخش خدمات بانکداری، مالی و بیمه خود را به شکل وسیعی توسعه داده است. این بخش صنعتی سنگاپور، با ارائه خدماتی نظیر اعتبارات تجاری و بیمه حمل‌ونقل، به بندر اصلی این کشور متصل شده است. به‌عنوان مثال، سنگاپور در سال ۲۰۱۳ میلادی موفق شد بندر توکیو در ژاپن را به‌عنوان برترین بندر مبادلات خارجی در آسیا، پشت سر بگذارد. سنگاپور حتی با وجود اینکه در قلمرو خود منابع طبیعی نظیر نفت در اختیار ندارد، با این حال اقدام به تأسیس پالایشگاه‌های نفت کرده است. به‌عنوان مثال، پالایشگاه نفتی «آگزون موبیل» در این کشور، یکی از ۱۰ پالایشگاه بزرگ نفتی جهان محسوب می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از کمپانی‌های مطرح بیوتکنولوژی و داروسازی جهان، دفاتر آسیایی خود را در سنگاپور گشوده‌اند. امروز، اهمیت بخش خدمات بهداشت و سلامت سنگاپور نیز به سرعت در حال افزایش است و سالانه مردم بسیاری از کشورهای مختلف جهان برای انجام عمل‌های جراحی گوناگون به این کشور می‌آیند (Lee, 2014: 54-55). با توجه به آمارها بندر سنگاپور نخستین و بندر هامبورگ دومین بندر در عرصه حمل‌ونقل دریایی و اقتصاد دریایی هستند که

۱. وبسایت بانک جهانی، بازدید شده در ۱۳۹۵/۴/۱۹:

Global Financial Inclusion (Global Findex) Database 2014 By Development Research Group, Finance and Private Sector Development Unit - World Bank
<http://data.worldbank.org/country/singapore>

آمار بیشترین قوانین و بنادر و فناوری‌های دریایی استفاده شده را به خود اختصاص داده‌اند (Aleen, 2015: 13).

۴-۳-۵. مبارزه با فساد در اقتصاد سنگاپور

سنگاپور به لطف داشتن چنین حکامی به‌طور مداوم در رده‌بندی کشورهای عاری از فساد اقتصادی، در رتبه‌های بالا قرار دارد. این کشور در سال ۲۰۱۴، رتبه هفتم جهان را در شاخص احساس فساد^۱ داشته است. سازمان بین‌المللی^۲ (TI) باهدف مبارزه با فساد تأسیس شد.^۳ این سازمان به‌صورت هردو سال یک‌بار کنفرانسی با عنوان^۴ (IACC) شفافیت برگزار می‌کند. اولین کنفرانس در رابطه مبارزه با فساد در سال ۱۹۸۱ با ۳۰ نماینده از کشورهای مختلف جهان در آمریکا و دهمین آن در سال ۲۰۰۱ و ۱۶۰ نماینده از کشور مختلف جهان در چک برگزار شد. شاخص فساد اولین بار توسط سازمان بین‌المللی شفافیت (TI) در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. این سازمان شاخص فساد را مانند سایر متغیرهای اقتصاد اندازه‌گیری و معرفی کرد. شاخص فساد یا (CPI)^۵ میزان فساد را از صفر تا ۱۰ نشان می‌دهد. بر اساس این شاخص صفر بیشترین فساد و ۱۰ کمترین فساد را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۱ فنلاند با ۹/۹ پاک‌ترین کشور و بنگلادش با ۰/۴ بیشترین فساد را در بین کشورهای مختلف جهان به خود اختصاص داده‌اند. نکته حائز اهمیت در این باره اندازه فساد است به‌عبارت‌دیگر وجود فساد مدنظر نیست. به نظر بعضی از اقتصاددانان در همه کشورهای فساد وجود دارد ولی درجه فساد در بین کشورها باهم متفاوت است. مقادیر عددی این شاخص‌ها نیز همگی درجه و اندازه فساد را نشان می‌دهند. درجه فساد برای کشورها مانند یک سرطان تعریف شده است که اگر دیر شود و به‌عنوان یک پدیده سیستماتیک در تمام ابعاد رسوخ کند مبارزه با آن امکان‌پذیر نیست. جدول شماره یک (CPI) و (BPI) را سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ برای ۲۱ کشور را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۹ سه کشور سوئد، کانادا و سنگاپور با رقم ۹/۴، ۹/۲، ۹/۱ در بین ۲۱ کشور پاک‌ترین کشورها و کشور روسیه با رقم ۲/۴ در بین ۲۱ کشور مقام آخر را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۰ سه کشور سنگاپور، سوئد و کانادا باهم در بین کشورهای موردبررسی در مقام اول تا سوم در

1. Corruption Perception Index
2. Transparency International

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: [www. Transparency](http://www.transparency.org)

4. International Anti- Corruption Conference.
5. Corruption perceptions Index

راهبردهای دولت توسعه‌گرا و شکوفایی اقتصادی...

ردیف پاک‌ترین کشور قرار گرفتند و مانند دوره قبل کشور روسیه با رقم ۲/۳ به‌عنوان بیشترین فساد در شاخص (CPI) در این بین معرفی شده است. از طرف دیگر شاخص (BPI) در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲ نشان‌دهنده پاک بودن کشورهای سوئد، استرالیا، کانادا، سوئیس و اتریش است و بازهم بالا بودن فساد در روسیه را نشان می‌دهد (Hin, 2015: 24).

جدول (۲): شاخص CPI و BPI در سنگاپور

نام کشور	BPI ۱۹۹۹	BPI ۲۰۱۴	CPI ۱۹۹۹	CPI ۲۰۱۴
سوئد	۸/۳	۸/۴	۹/۴	۹
استرالیا	۸/۱	۸/۵	۸/۷	۸/۹
کانادا	۸/۱	۸/۱	۹/۲	۸/۹
اتریش	۷/۸	۸/۲	۷/۶	۷/۸
سوئیس	۷/۷	۸/۴	۸/۹	۸/۴
هلند	۷/۸	۷/۸	۹	۸/۸
انگلستان	۷/۲	۶/۹	۸/۶	۸/۳
بلژیک	۶/۹	۷/۸	۵/۳	۶/۶
آلمان	۶/۲	۶/۳	۸	۷/۴
آمریکا	۶/۲	۵/۳	۷/۵	۷/۶
سنگاپور	۵/۷	۶/۳	۹/۱	۹/۲
اسپانیا	۵/۳	۵/۸	۶/۶	۶/۷
فرانسه	۵/۲	۵/۵	۶/۶	۶/۷
ژاپن	۵/۱	۵/۳	۶	۷/۱
مالزی	۳/۹	۴/۳	۵/۱	۵
ایتالیا	۳/۷	۴/۱	۴/۷	۵/۵
تایوان	۳/۵	۳/۸	۵/۶	۵/۹
کره جنوبی	۳/۴	۳/۹	۳/۸	۴/۲
چین	۳/۱	۳/۵	۳/۴	۳/۵
هنگ کنگ	-	۳/۴	۷/۷	۷/۹
روسیه	-	۳/۲	۲/۴	۲/۳

(www.Transparency.org)

سنگاپور پس از ۶۰ سال مبارزه بی‌وقفه توانسته فساد را در این کشور به حداقل برساند. به گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، این کشور بیش از یک دهه است که در بین پاک‌ترین دولت‌های دنیا قرار گرفته است. امروزه فساد در سنگاپور به‌عنوان «واقعیتی» در زندگی و نه «روشی» برای زندگی وجود دارد و بیشتر در سطح فردی مشاهده می‌شود تا به‌صورت سیستمی و سازمان‌یافته. در سال ۲۰۱۰ سنگاپور همراه با دانمارک و نیوزیلند جزو کم‌فسادترین ملت‌های دنیا قرار گرفت. همچنین موسسه مشاوره ریسک سیاسی و اقتصاد (PERC) که مقر آن در هنگ‌کنگ هست، در ده سال گذشته سنگاپور را در رتبه‌بندی خود در جایگاه نخست، کشوری با کمترین فساد، قرار داده است (Hin, 2015: 27).



نمودار (۱): شاخص‌های فساد مالی در اقتصاد سنگاپور از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶

(منبع: تریدینگ اکونومیست^۱)

البته باید اشاره کرد که سیاست‌های ضد فساد اقتصادی «لی کوآن‌یو» یکی از اهرم‌های موفقیت‌آمیز اقتصادی سنگاپور بود. این سیاست‌ها در داخل سبب ایجاد یک دولت کارآمد شد که این دولت توانست به‌خوبی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خود را پیاده‌سازی کند. این اقدام، همچنین به جلب حمایت مردم این کشور از دولت منتهی شد. برخی بر این باورند که حکمرانی حزب PAP در عرصه سیاسی سنگاپور جنبه‌های منفی نیز داشت. اما در کل، این حزب ده‌ها سال در قدرت باقی ماند که این مسأله به ثبات هرچه بیشتر سیاسی و اجتماعی سنگاپور انجامید.

1. <http://fa.tradingeconomics.com/singapore/corruption-index>

۴-۳-۵. افزایش صادرات

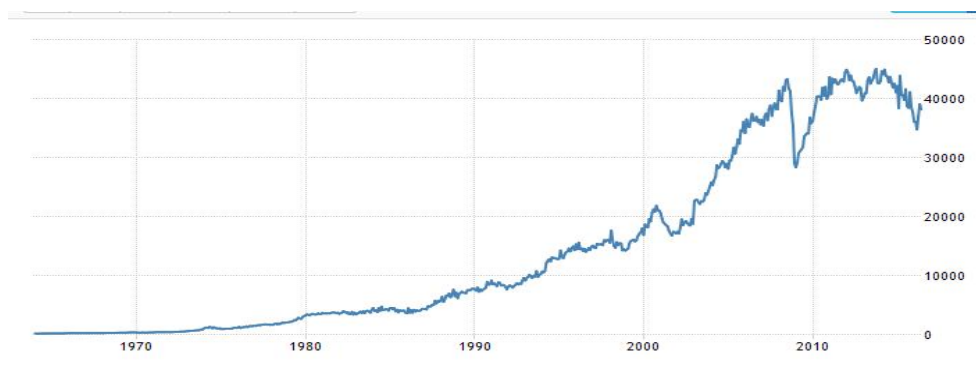
سنگاپور درهای اقتصاد خود را به روی سرمایه‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی گشود تا بتواند به تکنولوژی، بازار و تجربه اقتصاد مبتنی بر بازار که فاقد آن بود، دست یابد. این کشور یک فضای باز کسب‌وکار را فراهم کرد و سه اقدام زیر را پایاپای پیش برد:

- توسعه زیرساخت‌های صنعتی و فراهم آوردن خدمات مرتبط مثل تسهیلات اقامتی، حمل و نقل و مخابرات؛ - پیاده‌سازی برنامه آموزش پایه مبتنی بر مهارت‌های فنی روز برای عموم مردم؛ - با اتخاذ سیاست‌های مدیریت نیروی کار جدید و معرفی کشور به‌عنوان میزبانی مناسب برای جلب و جذب کشورهای چندملیتی تلاش‌های سنگاپور با توجه به محیط بین‌المللی در آن دوره حمایت شد و تا پیش از بحران نفت رشد پایدار قرار داشت. پیوستن سنگاپور به GATT در سال ۱۹۷۳ نیز بازارهای جدید را به روی صادرات این کشور گشود. حاصل این تلاش‌ها، رشد متوسط اقتصادی ۱۰ درصدی آن در فاصله سال‌های ۸۰-۱۹۶۵ بود (Hin, 2015: 27). سنگاپور استراتژی تغییر ساختار اقتصاد خود را از فعالیت‌های کاربر و باارزش افزوده کم به فعالیت‌های سرمایه‌بر و باارزش افزوده بالا در پیش گرفت. موارد زیر از جمله نتایج این تغییر استراتژی است:

- طرح مشوق‌های مالی برای ترغیب اتوماسیون و مکانیزاسیون - ارتقای بهره‌وری از طریق برنامه‌ها و مشوق‌های مختلف - حمایت جدی از صنایع مبنی بر تکنولوژی‌های جدید مثل تولید لوازم جانبی کامپیوتر و ماشین‌های اداری (Heathcote, 2014: 35). سیاست‌های جدی برای کاهش هزینه‌ها به اجرا درآمد، از جمله کاهش پس‌اندازهای اجباری قبلی که مطابق قانون دولت در گذشته وضع شده بود و همچنین کاهش مالیات شرکت‌ها و اتخاذ سیاست‌های جدید دستمزد در سطح ملی. اتخاذ این سیاست‌های هزینه، همراه با افزایش تقاضای خارجی، به بهبود اقتصاد سنگاپور کمک کرد. اقتصاد سنگاپور در سال ۲۰۰۰ معادل ۲/۳ و در سال ۲۰۱۴ برابر با ۹/۷ درصد رشد کرد (Heathcote, 2014: 35).

دولت پاک دست سنگاپور با استفاده از یک رویکرد عملی توانست یک برنامه تشویقی برای جذب شرکت‌های چندملیتی جهت فعالیت در سنگاپور راه‌اندازی کند. این طرح شامل تصویب قوانینی برای کاهش هزینه‌های کارگری، کاهش جدی مالیات، نرخ پایین تعرفه‌ها و کاهش تعرفه‌های گمرکی برای صادرات و واردات و همین‌طور تسهیلات اعطای زمین و نیروی کاری منظم‌تر می‌شد. دولت همچنین سیاست‌هایی را جهت کاهش مقررات دست و پاگیر اعمال کرد.

در همین راستا، با اجرای سیاستی موسوم به One-Stop-Shopping، که طی آن فرآیند رسیدگی به درخواست‌های ترخیص کالا به سه هفته کاهش می‌یافت، به روند مثبت سفارش‌ها صادرات و واردات شتاب بیشتری بخشید. علاوه بر این، دولت همچنین برای حصول اطمینان از اجرا و نظارت بر سیاست‌های خود، سازمان‌های نظارتی جدی تأسیس کرد که یکی از نمونه‌های قابل‌ذکر را می‌توان تأسیس هیات توسعه اقتصادی (EDB). در سال ۲۰۱۰ میلادی دانست. نمودار زیر رشد تجارت در سنگاپور از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ را به تصویر می‌کشد:



نمودار (۲): صادرات سنگاپور از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲

(منبع: تریدینگ اکونومیست^۱)

مهم‌ترین بازارهای صادراتی سنگاپور بر اساس آمار سال ۲۰۱۴ عبارتند از: آمریکا، مالزی، هنگ‌کنگ، ژاپن، تایلند، انگلستان، کره جنوبی، آلمان، ایرلند شمالی که در جدول روند صادرات سنگاپور مهم‌ترین بازارهای صادراتی سنگاپور بر اساس اهمیت و مقدار صادرات به آن‌ها قابل‌بررسی می‌باشند ساختار صادرات سنگاپور نشان می‌دهد که در ترکیب صادرات سنگاپور، ابزارآلات الکترونیکی و کامپیوتر و قطعات کامپیوتری، نقش بسیار مهمی داشته و بیش از ۶۳ درصد از صادرات سنگاپور در سال‌های (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴)، به این کالاها اختصاص داشته است و بعد از این ترکیب کالایی، ترکیباتی نظیر محصولات نفتی، مواد شیمیایی، ماشین‌آلات غیر الکتریکی صنعتی و تولیدات صنعتی دیگر به ترتیب سهم مهمی در صادرات سنگاپور را به خود اختصاص می‌دهند (Rogers, 2015: 41).

1. <http://fa.tradingeconomics.com/singapore/exports>

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد بود به عوامل مؤثر بر پویایی اقتصاد سنگاپور بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ بپردازد. بر این اساس فرضیه پژوهش این‌گونه شکل گرفت که: موقعیت ممتاز جغرافیایی سنگاپور در قلب کشورهای آسیا، نیروی کار متخصص، توجه به نظام آموزشی، سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و ورود کنترل‌شده دولت به بخش اقتصاد و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی از عوامل اصلی توسعه اقتصاد سنگاپور بوده است. نظریات دولت و توسعه و نقش دولت در پویایی اقتصاد پرداخته شد. بر این اساس سعی شد نظریات جوزف استیگلیتز، استاد اقتصاد دانشگاه کلمبیا و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱، موردتحقیق قرار گیرد. بر اساس نظریات عواملی مانند توسعه سازمانی-دولتی، ساختار ژئوپلیتیکی، تشویق به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری توسط دولت و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و بنادر در سنگاپور نقشی اساسی در پیشرفت این کشور داشته‌اند. وی توسعه سنگاپور را مرهون سیاست‌های این کشور در کاهش نابرابری اقتصادی می‌داند. بر اساس نظریات استیگلیتز توسعه اقتصادی سنگاپور دلایل چندی داشت که یکی از آنها ثبات در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی از سوی دولت بود. بر اساس یافته‌های پژوهش عواملی مانند توسعه سازمانی دولتی، ساختار ژئوپلیتیکی تشویق به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و بنادر در سنگاپور نقشی اساسی در پیشرفت این کشور داشته‌اند. نظام مالیاتی و راه‌اندازی «صندوق آینده‌نگر» تأثیر چشمگیری در توزیع عادلانه درآمد و به تبع آن جهش اقتصادی سنگاپور داشته است. اما شاید یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه اقتصادی سنگاپور طی ۴۰ سال اخیر نظام آموزش همگانی و کارآمد این کشور است. به‌طورکلی از لحاظ توسعه اقتصادی، پنج دوره در اقتصاد سنگاپور وجود داشته است: نخست، تأکید بر تکنولوژی کاربر و سیاست صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات (۱۹۵۹ تا ۱۹۶۵)، دوره دوم تأکید بر تکنولوژی کاربر و سیاست صنعتی شدن از طریق افزایش صادرات (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳)، سوم نخستین تلاش برای ارتقای اقتصادی (۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸)، چهارم بازسازی ساختارهای اقتصادی (۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴) و دوره پنجم، مستحکم سازی و متنوع کردن هرچه بیشتر اقتصاد (۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰). سنگاپور توسعه چشمگیر خود را مدیون قوانین سخت و دولت سالمی است که «لی کوآن یو» پدر سنگاپور مدرن با سیاست‌های شایسته خود آن را پایه‌ریزی کرد. کوآن یو را باید با این تفسیر معمار سنگاپور مدرن دانست. موقعیت ترانزیتی سنگاپور و نقش این کشور کوچک در قیمت‌گذاری

قیمت نفت خام جهانی نیز یکی از دلایل پویایی اقتصاد این کشور است. این عامل یکی دیگر از عوامل مهم در تبدیل شدن سنگاپور به قطب اصلی اقتصاد جهان بخش حمل‌ونقل این کشور است و یکی از منابع مهم درآمد این کشور ترانزیت کالا است داشتن زیرساخت‌های قوی و مستحکم به همراه حاکمیت قوی و برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه از جمله عوامل مهم رشد این بخشی است. با این وصف، عامل اصلی در فرآیند توسعه سنگاپور، نقش دولت در تأمین انگیزه‌های لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی و توسل به سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد «هیات توسعه اقتصادی» بود که برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه جهت‌گیری آتی اقتصاد بین‌المللی را انجام می‌داد. بر این مبنای، در سنگاپور نیز، دولت از طریق نهادسازی مناسب و تقویت کارآمدی نظام اداری توانست روند توسعه کشور خود را هموار کند. مدیریت دولتی و به‌طور کلی، نظام اداری کارآمد به‌عنوان ابزار اصلی دولت توسعه‌خواه سنگاپور در شرایط باثبات سیاسی و انسجام قوی اجتماعی، شرکت‌ها و مؤسسات چندملیتی را متقاعد کرد که سنگاپور، مکانی مناسب برای سرمایه‌گذاری و تولید است. به‌صورت دقیق نمی‌توان عامل و یا عواملی را با عنوان عوامل اصلی توسعه یک کشور مشخص کرد، اما با این وجود بر اساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین عوامل در پویایی اقتصاد سنگاپور از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ عبارتند از: ثبات سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی ملهم از بافت سیاسی، شرایط تجاری مناسب از جمله نیروی کار ارزان، تکثیر گفتمان اجتماعی توسعه در میان شهروندان، نیروی کار تحصیل‌کرده و مسلط به زبان انگلیسی و جذب نیروی کار خارجی متخصص، قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی طرفدار تجارت، بنادر پرفرت‌وآمد زیرساخت عالی حمل‌ونقل و ارتباطات، سیاست مالی باثبات، تورم اندک و مطلوب و سایت‌های مالی تشویق‌کننده. پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی: پژوهش بر روی شاخص‌های توسعه انسانی در سنگاپور؛ تحلیل بر روی موقعیت ژئواستراتژیک سنگاپور و نقش آن در جغرافیای سیاسی آسیا پاسیفیک؛ پژوهش بر روی الگوبرداری نظام سیاسی ایران از سنگاپور؛ پژوهش بر روی تغییر ارزش‌های اجتماعی مردم سنگاپور در مورد توسعه.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۲ الف). جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.

_____ راهبردهای دولت توسعه‌گرا و شکوفایی اقتصادی...
استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). «به سوی پارادایم جدید توسعه»، ترجمه اسماعیل مردانی، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۹۵-۱۹۶.
اسنودن، برایان (۱۳۸۳). *راهنمای نوین اقتصاد کلان*، ترجمه منصور خلیلی عراقی، انتشارات برادران.
شیرزادی، رضا (۱۳۹۴). «عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۶، شماره ۱۶، تابستان، صص ۱۱۹-۱۳۸.
شیرزادی، رضا (۱۳۹۲). «دولت و توسعه در هنگ‌کنگ»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۴، ۲۵، زمستان، صص ۳۷-۶۰.
شیرزادی، رضا (۱۳۹۱). «توسعه و توسعه انسانی در قطر»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان، صص ۱۳۰-۱۰۹.
شیرزادی، رضا (۱۳۹۰). *نوسازی، توسعه، جهانی‌شدن*، تهران: انتشارات آگه.
شیرزادی، رضا (۱۳۸۹). «دولت و توسعه سیاسی در مالزی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، پاییز شماره ۹، صص ۱۵۳-۱۸۰.
گمبل، آندره و پل، والتون (۱۳۸۵). *سرمایه‌داری در بحران*، تهران: انتشارات ما.
می‌دری، احمد (۱۳۸۵). «خصوصی سازی یا رشد ارگانیک بخش خصوصی»، *مجله چشم‌انداز ایران*، شماره ۳۹.
می‌دری، احمد (۱۳۸۳). *تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب، در حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
وودوارد، دیوید (۱۳۷۵). *تعدیل اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد و محمود محمدیان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۶). «بررسی علل شکست سیاست‌های تعدیل در فرایند توسعه اقتصادی»، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۳۲.

(ب) منابع انگلیسی

Adelman, Irma (1999). **The Role of Government in Economic Development**, California Agricultural Conomics.
Furman, Jason & Stiglitz, Josephe (1998). **Economic Crises: Evidence and Insights from East Asia**.
Heathcote, Andrew (2013). "Tax havens: Brett Blundy latest to join the Singapore set". **Business Review Weekly**. Digital Media. Retrieved 18 April 2013.

- Hill, Michael (1995). **Kwen Fee Lian, Ed. The Politics of Nation Building and Citizenship in Singapore**, Routledge. ISBN 0-415-12025-X.
- King, Rodney (2008). **The Singapore Miracle, Myth and Reality**. Insight Press. ISBN 0-9775567-0-0.
- Kolodko, Grazegorz (1999). "Ten Years of Post-Socialist Transition: Lissons for Policy Reforms", **The Wold Bank, Policy Research Working Paper**, Washington D.C.
- Lee Kuan Yew (2000). "From Third World to First – The Singapore Story (1965–2000)". **Times Edition**. pp. 66–88. ISBN 981 204 984 3.
- Lee Kuan Yew (2000). **From Third World to First: The Singapore Story: 1965–2000**. New York: HarperCollins. ISBN 0-06-019776-5.
- Mauzy, Diane K.; Milne, R.S (2012). **Singapore Politics: Under the People's Action Party**. Routledge. ISBN 0-415-24653-9.
- Rogers, Simon; Sedghi, Ami (2015). "How Fitch, Moody's and S&P Rate each Country's credit Rating". **The Guardian Singapore GDP Growth Rate**, 2015, <http://www.tradingeconomics.com/singapore/gdp-growth>
- Stiglitz, Joseph (1998). **More Instrument and Bearder Goals: Moving Toward the Post-Washington Conseus**, Wider Annul Lecture.
- Stiglitz, Joseph (1999/a). **Promoting Competition and Regulatory Policy**, Beijing, China.
- Stiglitz, Joseph (1999/b). **Whither Reform. Ten Years of Transition**, World Bank, Washington D.C.
- Stiglitz, Joseph (2003). **Lessons from the Financial Crisis in Asia**, Colombia University.
- Tan, Kenneth Paul (2007). **Renaissance Singapore ? Economy, Culture, and Politics**. NUS Press. ISBN 978-9971-69-377-0.